

# ترجمه درس‌های فصل سوم

## درس ۱۵

### صفات حیض

خون حیض خونی سرخ متمایل به سیاهی است یا سرخ تازه‌ای است که دارای فشار و سوزش و حرارت باشد، و اوصاف خون استحاضه بر خلاف حیض است. خون حیض و استحاضه غالباً دارای این صفات می‌باشند که در بعضی اوقات جهت تشخیص و رفع اشتباه- حیض از استحاضه- بوسیله این نشانه‌ها تمیز داده می‌شوند، و چه بسا هر یک از این دو دارای صفات دیگری باشد هر خونی را که دختر بچه قبل از اتمام نه سالگی ببیند حیض نیست، گرچه صفات آن را داشته باشد. و در اینکه خون استحاضه باشد، در جایی که معلوم نباشد غیر استحاضه است، تردیدی وجود دارد ولی استحاضه بودنش بعید نیست و همچنین خونی را که زن یائسه [۲۹] می‌بیند حیض نیست و در اینکه استحاضه باشد در جایی که احتمال آن باشد تردید وجود دارد، هر چند که استحاضه بودنش بعید نیست و زن قرشیه [۳۰] بعد از شصت سالگی و غیر قرشیه بعد از پنجاه سالگی یائسه می‌شوند و الحاق زنی که قرشیه بودنش مشکوک است، به غیر قرشیه، مشکل است. و زنی که بلوغش مشکوک است محکوم به عدم بلوغ است. و همچنین زنی که یائسه بودنش مشکوک است حکم به عدم یائسه بودن او می‌شود.

**مسئله ۱-** اگر از دختری که بلوغش مشکوک است، خونی با صفات حیض خارج شود پس اگر اطمینان به حیض بودن آن حاصل شود، بعید نیست که حکم به حیض بودن آن و بلوغ او شود. و اگر اطمینان پیدا نشد مسئله محلّ تأمل و اشکال است.

**مسئله ۲-** حیض با شیر دادن جمع می‌شود. و در اینکه با حاملگی جمع می‌شود، دو قول است. و اقوا آنست که زن باردار حیض می‌بیند. اگر چه وقوع آن نادر است پس حکم می‌شود به حیض بودن خونی که حامله می‌بیند در صورتی که دارای شرائط و صفات حیض باشد اگر چه بعد از آشکار شدن حملش باشد. لیکن اگر از عادتش بیست روز بگذرد و خونی ببیند سزاوار نیست ترک احتیاط کند، (یعنی) بین تروک زن حائض (کارهایی را که حائض ترک می‌کند) و اعمال مستحاضه جمع نماید

**مسئله ۳-** وقتی که خون حیض هر چند با انگشت و مانند آن خارج شود، اگر چه به مقدار سر سوزن باشد، بدون اشکال صفت حیض پیدا شده و احکام آن مترتب می‌شود.

همانطوری که آلودگی باطن زن به خون حیض هر چند اندک باشد، بنحوی که اگر پنبه را داخل نماید، آلوده شود بدون اشکال در بقاء صفت حیض و استمرار آن کفایت می‌کند اما اگر خون از محل خود به فضای فرج رسیده باشد بنحوی که می‌توان آن را با انگشت و مانند آن بیرون آورد ولی هنوز بیرون نیامده باشد، آیا صفت حیض پیدا شده و احکام آن مرتب می‌گردد یا نه؟ محل تأمل و اشکال است. پس احتیاط را ترک نکند و بین تروک زن حائض و افعال زنی که در حال پاکی است جمع نماید و در این بعید نیست که جایز باشد خون را و لو بوسیله‌ای بیرون آورد و احکام حائض را اجراء نماید.

**مسألة ۴-** اگر در اصل بیرون آمدن خون شک کند حکم به عدم آن می‌شود. همچنین اگر شک کند آنچه خارج شده، خون است یا از فضولات دیگر، محکوم به طهارت از حدث و خبث است و اگر بداند آنچه بیرون آمده خون است و لیکن مردد باشد بین اینکه از مجرای طبیعی بیرون آمده یا از جای دیگر، تنها محکوم به طهارت از حدث می‌باشد. و در این سه صورت جستجو لازم نیست. و اگر بداند خون (از رحم) خارج شده و لیکن مشتبه باشد صوری دارد که حکم آنها در مسائل بعد معلوم می‌شود.

**مسألة ۵-** اگر خون حیض با خون بکارت مشتبه شود، مانند آنکه پرده بکارت پاره شده و خون بسیاری که قطع نمی‌شود جاری گردد. و در اینکه آن خون از حیض یا از بکارت یا از هر دو است، شک نماید. باید با داخل نمودن پنبه و کمی تأمل و سپس بیرون آوردن آن آزمایش کند و احوط و اولی آنست که بعد از داخل نمودن پنبه مدتی آن را رها کند و آهسته آن را بیرون آورد. پس اگر اطراف آن (طوق‌وار) آلوده باشد، خون بکارت است اگر چه صفات حیض را داشته باشد. و اگر خون به داخل پنبه فرو رفته باشد حیض است.

و این آزمایش واجب است، ولی معلوم نیست که شرط صحت عمل زن باشد. پس اقوا آنست که اعمالش در صورتی که با قصد قربت انجام گرفته باشد و معلوم شود که حیض نبوده، صحیح است. و اگر آزمایش امکان نداشت رجوع به حالت سابقش - پاکی یا حیض - می‌نماید و بنا را بر آن می‌گذارد. و در صورتی که حالت سابقش را نداند باید احتیاط کند و بین تروک حائض و افعال زنی که در حال پاکی است جمع نماید.

**مسألة ۶-** ظاهر آنست که دو علامت یاد شده - آلوده شدن اطراف پنبه و یا فرو رفتن خون در آن - علامت بکارت و حیض می‌باشند. حتی اگر بقاء و زوال بکارت مشکوک باشد. و در این صورت نیز وجوب آزمایش خالی از وجه نیست.

**مسألة ۷-** اگر خون حیض با خون زخمی که در داخل است مشتبه شود بعید نیست آزمایش واجب باشد، پس اگر خون از طرف چپ بیرون بیاید حیض است، وگرنه خون زخم است. لیکن ترک احتیاط (به جمع) سزاوار نیست، حتی در صورتی که حالت سابقه معلوم باشد. ولی اگر آزمایش ممکن نباشد باید بر طبق حالت سابقه عمل نماید، و اگر حالت سابقه را نداند باید بین اعمال زنی که در حال پاکی است و تروک زن حائض جمع نماید.

## درس ۱۶

**مسأله ۱-** حد اقل حیض سه روز است و حد اکثر آن مانند حد اقل طهر [۳۱] (پاکی) ده روز ، بنابراین هر خونی را که زن در کمتر از سه روز و یا در بیشتر از ده روز ببیند حیض نیست.

و همچنین است آنچه را که زن بعد از قطع شدن خونی که بر اساس عادت ماهانه و مانند آن، حکم به حیض بودن آن داده شده بود، بدون آنکه ده روز فاصله بیفتد، می بیند و نمی توان حکم به حیض بودن هر دو خون و پاکی میان آنها کرد نظر به اینکه مدت ایام دو خون با روزهای پاکی که بین آنها واقع شده است روی هم بیشتر از ده روز می شود بلکه این خون استحاضه است. مانند اینکه زنی که عادت ماهانه دارد، مثلا هفت روز خون در ایام عادت ببیند سپس هفت روز قطع شود و پس از آن سه روز دیگر ببیند که خون دوم حیض نیست بلکه استحاضه است.

**مسأله ۲-** بنابر اقوا پی درپی بودن در روزهای سه گانه (حد اقل حیض) معتبر است ، بنابراین سه روز خون دیدن در ضمن ده روز کفایت نمی کند مانند آنکه یک روز یا دو روز خون ببیند و قطع شود سپس قبل از تمام شدن ده روز بمقداری که با آن، سه روز تکمیل شود خون ببیند لیکن ترک احتیاط سزاوار نیست که بین تروک زن حائض و اعمال زنی که در حال پاکی است جمع نماید. و در پی درپی بودن خون. استمرار عرفی کفایت می کند، بنابراین قطع شدن خون در لحظات مختصری که متعارف بین زنهاست، ضرر نمی رساند همانطوری که ظاهرا تلفیق [۳۲] در روزها کفایت می کند، مثل آنکه از ظهر روز اول تا ظهر روز چهارم خون ببیند.

**مسأله ۳-** مقصود از روز، مابین طلوع فجر و غروب آفتاب است ، پس شبها از این سه روز بیرون است بنابراین اگر زنی از طلوع فجر تا غروب آفتاب خون ببیند و قطع شود و سپس دو روز دیگر مثل روز اول در ضمن ده روز خون ببیند، نزد مجتهدی که پی درپی بودن را معتبر نمی داند. کافی است (و حائض می باشد)، ولی بنابر معتبر بودن پی درپی که اقوا است اگر ابتدای بیرون آمدن خون، اول روز باشد فقط دو شب میانی، جزء سه روز حساب می شود [که باید در این دو شب هم خون قطع نشود]. ولی اگر ابتدای بیرون آمدن آن، اول شب و یا به صورت تلفیق باشد مانند مثال گذشته (پایان مسأله ۹) هر سه شب محسوب می شود.

### اقسام حائض

**مسأله ۴-** زن حائض، یا صاحب عادت است یا صاحب عادت نیست. و دومی یا مبتدئه است و آن زنی است که هرگز خون حیض ندیده است و یا مضطر به است و آن زنی است که چندین بار حیض دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده است. و یا ناسیه است و آن زنی است که عادت خود را فراموش کرده است. و زنی که دو مرتبه، پشت سر هم خون

ببیند که زمان (مثلا در اول دو ماه) و یا عدد (مثلا هفت روز در هر یک از دو ماه متوالی) و یا هر دوی آنها مساوی باشد صاحب عادت می‌شود، پس با این دو بار خون دیدن یا صاحب عادت وقتی و یا عددیه و یا وقتی و عددیه می‌شود. و از آنجائی که صاحب عادت وقتی و بلکه صاحب عادت عددیه شدن زن حائض، فقط به دو مرتبه خون دیدن خالی از اشکال نیست لذا سزاوار است احتیاط ترک نشود.

**مسأله ۵-** بدون اشکال یک مرتبه خون دیدن بر خلاف عادت، موجب از بین رفتن عادت نمی‌شود.

همانطوری که اگر دو مرتبه و بطور مساوی خون ببیند، بدون اشکال عادت اولش از بین رفته و عادت دیگری پیدا می‌کند. و اگر مکررا بر خلاف عادتش خون ببیند و لیکن مساوی هم نباشند، در اینکه عادت اولش از بین برود دو قول است. و بنا بر اقوا از بین می‌رود، در صورتی که مکررا بر خلاف عادتش خون ببیند، بطوری که عرفا بگویند این زن ایام مشخصی ندارد. اما اگر دو مرتبه و لیکن بطور غیر مساوی (و بر خلاف عادتش) خون ببیند. در بقاء عادت اولش تأمل است.

**مسأله ۶-** صاحب عادت وقتی - خواه صاحب عادت عددیه هم باشد یا نباشد - به محض دیدن خون در وقت عادتش حائض می‌شود. بنابراین باید عبادت را ترک کند، چه خون اوصاف حیض را داشته باشد یا نداشته باشد، و همچنین است اگر یک یا دو روز یا بیشتر قبل از عادت و یا بعد آن خون ببیند، بطوری که گفته شود وقت حیض و عادتش جلو و یا عقب افتاده است. (و در هر صورت) اگر بعدا معلوم شود که حیض نبوده چون خونی را که دیده کمتر از حد اقل حیض (سه روز) بوده است، باید عبادتهائی را که ترک کرده قضا نماید. اما زنی که صاحب عادت وقتی نیست. او نیز به محض دیدن خون در صورتی که دارای صفات حیض باشد حائض می‌شود، و اگر دارای صفات حیض نباشد باید با جمع بین تروک زن حائض و اعمال مستحاضه احتیاط کند، پس اگر این خون سه روز ادامه پیدا کرد آن را حیض قرار می‌دهد، و اگر از سه روز بیشتر شد تا ده روز، اضافه را نیز حیض قرار می‌دهد بنابراین به وظائف حائض اکتفا می‌کند و نیازی به رعایت اعمال مستحاضه ندارد، اگر چه ترک احتیاط سزاوار نیست.

**مسأله ۷-** صاحب عادت وقتی اگر در وقت عادت و قبل از آن، یا در وقت عادت و بعد از آن یا در وقت عادت و قبل و بعد از آن خون ببیند در صورتی که روی هم‌رفته از ده روز بیشتر نشود همه را حیض قرار می‌دهد و اگر از ده روز بیشتر شود فقط روزهای عادت را حیض و بقیه را استحاضه قرار می‌دهد.

## درس ۱۷

**مسئله ۱-** اگر زنی سه روز متوالی خون ببیند و به مقدار کمتر از ده روز خونش قطع شود سپس سه روز یا بیشتر خون ببیند. در صورتی که همه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط آنها پاک بوده از ده روز بیشتر نباشد تمامی روزهایی که خون دیده حیض است و روزهای پاکی وسط هم ملحق به آن است چه آن دو خون یا یکی از آنها اوصاف حیض را داشته باشد یا نداشته باشد، چه صاحب عادت بوده و آن دو خون، یا یکی از آنها به عادتش برخورد کند یا نه، و در صورتی که رویهم رفته بیشتر از ده روز باشد و هر کدام از دو خون و نقاء (پاکی) کمتر از ده روز باشد، پس اگر صاحب عادت است و یکی از آن دو خون در عادت بوده فقط همان را حیض قرار بدهد نه دیگری را، همچنین اگر بعضی از روزهای یکی از آن دو خون در عادت باشد نه دیگری فقط همان خون را حیض قرار می‌دهد نه خون دیگری را.

و همچنین اگر زن صاحب عادت عددیه است و عدد یکی از آن دو خون مساوی عادتش باشد باید همان را حیض قرار دهد نه دیگری را، و این موافقت و مساوات خون با عدد صاحب عادت عددیه، بنابر اقوا مقدم است بر تمیز و تشخیص به اوصاف (که یکی دیگر از راههای شناخت و اثبات حیض است)، و اگر زن صاحب عادت نیست یا هیچ یک از آن دو خون و یا بعضی از آن در عادت نباشد (در این صورت) آن خونی را که دارای صفات حیض است باید حیض قرار دهد نه دیگری را و اگر صاحب عادت وقتیه و عددیه است. و مقداری از یکی از آن دو خون در وقت عادت بوده و لیکن عدد ایام خون مساوی عدد عادت نباشد و خون دوم به مقدار عادت بوده و لیکن در غیر وقت عادت واقع شود در هر دو صورت باید با جمع بین تروک زن حائض و اعمال مستحاضه احتیاط کند و اگر اوصاف هر دو خون یکی است و هیچ یک از آن نه همه‌اش و نه بعضش در وقت عادت واقع نشود و مساوی عدد عادت هم نباشد. بنابر احتیاط اگر اقوا نباشد باید خون اول را حیض قرار داده و تا پایان ده روز احتیاط کند. پس اگر سه روز خون و سه روز پاکی و سپس شش روز خون ببیند باید سه روز اول را حیض قرار دهد و تا پایان ده روز احتیاط کند (یعنی) بین تروک زن حائض و افعال زنی که در حال پاکی است در آن سه روز پاکی که در بین دو خون واقع شده است، و بین تروک زن حائض و افعال مستحاضه در زمان دیدن خون دوم تا پایان ده روز، جمع نماید.

**مسئله ۲-** صاحب عادت اگر بیشتر از عادتش خون ببیند و از ده روز تجاوز نکند تمام آن حیض است.

**مسئله ۳-** زنی که عادتش در هر ماه یک مرتبه است اگر در یک ماه با فاصله ده روز (اقل طهر) دو مرتبه خون ببیند. پس اگر یکی از آن دو خون در وقت عادت است آن را حیض قرار می‌دهد، و خون دیگر اگر اوصاف حیض را داشته باشد آن را هم حیض قرار می‌دهد. و اما اگر دارای صفات استحاضه باشد باید با جمع بین تروک زن حائض و اعمال

مستحاضه احتیاط کند و اگر هر دو خون در غیر وقت عادت باشند، باید هر دو را حیض قرار دهد چه هر دو، اوصاف حیض را داشته باشند، چه هر دو فاقد اوصاف باشند. و چه یکی دارای اوصاف و دیگری فاقد آن باشد اگر چه در خون دوم در صورت دوم (جائی که هر دو خون فاقد اوصاف حیض می‌باشد) و در خونی که فاقد اوصاف حیض است در صورت سوم (جائی که فقط یکی از آنها دارای اوصاف حیض می‌باشد) سزاوار نیست که احتیاط ترک شود.

**مسأله ۴-** زن مبتدئه و مضطربه و زنی که عادتش ده روز است اگر قبل از ده روز ظاهراً خون قطع شود و احتمال دهند که خون در باطن باقی مانده است واجب است استبراء نمایند به این صورت که پنبه و مانند آن را داخل نموده کمی صبر نمایند سپس آن را بیرون آورند. پس اگر پنبه پاک بیرون آمد باید غسل کرده نماز بخوانند و اگر پنبه آغشته، هر چند به زردی، بیرون آمد (لک ببیند) باید صبر کنند تا پاک شوند یا ده روز بگذرد، پس اگر از ده روز تجاوز نکرد همه آن حیض است و اگر تجاوز کرد حکم آن در آینده بیان می‌شود.

و زنی که عادتش کمتر از ده روز است اگر قبل از پایان عادتش خون ظاهراً قطع شود باید استبراء کند، پس اگر پنبه پاک بود غسل کرده نماز بخواند وگرنه باید تا پایان عادتش صبر کند، پس اگر خون تا پایان عادتش بود و در آخر عادت به کلی قطع شود باید غسل کرده نماز بخواند. و همچنین است اگر در پایان عادت، ظاهراً خون قطع شود و پس از استبراء خود را پاک ببیند، ولی اگر خون در پایان عادت قطع نشود و از آن تجاوز نماید، بنابر اقوا مستحب است استظهار [۳۳] کرده و عبادت را تا ده روز ترک نماید، هر چند که اوصاف حیض را داشته باشد و این استظهار در یک روز (روز اول بعد از عادت) بنابر احتیاط، واجب است و در بقیه تا پایان ده روز ترک احتیاط سزاوار نیست، (یعنی) بین تروک زن حائض و افعال مستحاضه جمع نماید و در این صورت اگر از ده روز نگذشت همه آن حیض است و اگر تجاوز کرد حکم آن بعداً می‌آید.

## درس ۱۸

### تجاوز خون از ده روز

**مسئله ۱-** اگر بیش از ده روز خون ببیند کم باشد یا زیاد حیض او با پاکیش (طهرش) مختلط شده است، پس اگر دارای عادت وقتیه و عددیه باشد باید خونی را که در روزهای عادت دیده اگر چه اوصاف حیض را نداشته باشد حیض قرار داده و بقیه هر چند دارای صفات حیض باشد، استحاضه است، و اگر هیچ‌گونه عادتی نه وقتیه و نه عددیه نداشته باشد به اینکه مبتدئه و یا مضطر به در وقت و عدد و یا ناسیه وقت و عدد باشد، پس در صورتی که رنگ خون مختلف باشد که مقداری سیاه یا قرمز و مقداری زرد باشد، باید به «تمیز» رجوع کند، بنابراین خونی را که صفات حیض دارد باید حیض قرار داده و غیر آن را استحاضه بداند. مشروط بر اینکه آنچه که دارای صفات حیض است کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد. و به شرط آنکه پس از خونی که دارای صفات حیض نبوده و از ده روز کمتر است، خون دیگری که دارای صفات حیض باشد نبیند مثل آنکه پنج روز خون سیاه و پنج روز زرد و سپس پنج روز خون سیاه ببیند و اگر خونی که دارای اوصاف حیض است کمتر از سه روز یا بیشتر از ده روز باشند، در این صورت بطور مطلق اوصاف خون را نادیده گرفتن و او را فاقد «تمیز» دانستن، محل اشکال است. و بعید نیست که در مثال گذشته لازم باشد خون اول را که دارای صفات حیض است، حیض قرار داده آن را تا مقداری که وظیفه‌اش می‌باشد هفت روز طبق روایات و یا مطابق عادت زنان خویشاوند، تکمیل و عمل نماید، (یعنی اگر خون کمتر یا بیشتر از این وظیفه بود او را تا مقدار این وظیفه می‌رساند).

و اگر خون به یک رنگ بود، زن دارای تمیز نمی‌باشد. پس اگر خویشانی که عادتشان یکسان باشد، ندارد بنابر احتیاط اگر اقوا نباشد باید هفت روز از هر ماه را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر خویشانی مانند مادر، خواهر، خاله، عمه و غیر اینها دارد و می‌داند که عادت آنها یکسان است، زن مبتدئه باید به آنها رجوع کرده و مقدار عادت آنها را برای خود حیض قرار دهد، و اما زنی که عادتی پیدا نکرده اگر عادت خویشانش کمتر یا بیشتر از هفت روز باشد باید در فاصله بین عادت آنها و هفت روز، احتیاط را ترک ننموده و جمع بین وظایف زن حائض و مستحاضه نماید.

**مسئله ۲-** بنابر احوط، اگر اقوا نباشد، زنی که فاقد «تمیز» است به محض دیدن خون باید آن را حیض قرار دهد. و همانطوری که در مسئله بالا گذشت با نداشتن خویشانی که عادت مساوی داشته باشند، باید هفت روز را حیض قرار دهد، و بعید نیست با داشتن چنین خویشانی واجب باشد مقدار عادت آنها را حیض قرار بدهد، و در هر صورت اگر خون بیش از یک ماه ادامه پیدا کند باید بین ماهها هماهنگی ایجاد کند، که اگر در ماه اول، روز اول آن خون ببیند،

باید در ماههای بعدی هم همان وقت را حیض قرار دهد و اگر در نیمه آن خون ببیند باید در نیمه ماههای بعدی قرار دهد و همچنین...

**مسأله ۳-** زنی که فقط دارای عادت وقتی است اگر بیش از ده روز خون ببیند ، باید وقت عادتش را حیض قرار دهد و در عدد اگر تمیزی باشد که امکان مراعات آن در وقت عادت باشد باید رجوع به آن «تمیز» نماید، وگرنه به عادت خویشانی که ذکر شدند رجوع کند و با نداشتن چنین خویشانی باید هفت روز را در وقت عادتش حیض قرار دهد، و زنی که فقط دارای عادت عددیه است، باید عدد عادتش را حیض قرار دهد. و در وقت اگر تمیزی باشد که موافقت با عدد کند باید رجوع به آن «تمیز» نماید. و همچنین است اگر خون تمیز داشته ولی با عدد عادتش مطابق نباشد، و لیکن اگر خون دارای «تمیز» کمتر از عدد عادتش باشد، باید تا مقدار عادتش بر آن افزوده و آن را هم حیض قرار دهد، و اگر خون دارای «تمیز» بیشتر از عدد عادتش باشد، باید فقط به مقدار عادتش حیض قرار دهد و اگر تمیزی نباشد، باید عدد عادتش را از اول دیدن خون قرار دهد.



# درس ۱۹

## احکام حائض

و آن چند چیز است: از جمله - جایز نبودن نماز، روزه، طواف و اعتکاف بر حائض.

و از جمله احکام حائض، اینست که - حرام بودن آنچه بر هر محدثی - به حدث اصغر یا اکبر - حرام است بر او نیز حرام است و آن عبارت است از مسّ نام خدای متعال و همچنین است بنا بر احتیاط واجب مسّ اسامی پیغمبران و ائمه (علیهم السلام) و مسّ نوشته قرآن بنا بر تفصیلی که در وضو گذشت و از جمله احکام حائض اینست که - آنچه بر جنب حرام است، بر حائض نیز حرام است و آن عبارت است از خواندن سوره‌های عزائم [۳۴] یا مقداری از آنها. و داخل شدن در مسجد الحرام و مسجد النبی. و توقف در سایر مساجد، و قرار دادن چیزی در مساجد بنا بر آنچه که در بحث جنابت گذشت زیرا حائض در جمیع احکام مانند جنب است

و از جمله احکام جنب اینست که - نزدیکی و ادخال در قبل حائض، هم بر مرد و هم بر زن، حرام است

اما سایر استمتاعات مانند بوسیدن و بازی کردن با، ران زن و مانند آنها حتی ادخال در دبر حائض بنا بر اقوا جایز است. اگر چه نزدیکی در دبر حائض کراهت شدید دارد و احتیاط اجتناب از آن است و همچنین مکروه است بر مرد استمتاع و التذاذ از مابین ناف تا زانوی حائض و امور نامبرده در صورتی حرام است که وجدانا علم به حیض داشته و یا بر اساس علامات شرعی مثل عادت ماهانه و تمیز و مانند اینها ثابت شده باشد. بلکه همچنین است زنی که مطابق روایات هفت روز را حیض قرار می‌دهد و یا به عادت خویشانش رجوع می‌نماید. و اگر مرد نداند که حائض است و در وقت نزدیکی بفهمد باید فوراً از او جدا شود (از قبل بیرون آورد) و همچنین است در صورتی که زن حائض نباشد و در اثناء نزدیکی حائض شود و اگر زن از حیض و یا برطرف شدن آن خبر دهد باید قول او را قبول نمود، بنابراین نزدیکی در صورت اخبار به حیض حرام و در صورت اخبار به پاکی جایز است.

مسأله ۱ - در حرام بودن نزدیکی ، فرقی بین زن دائمی و غیر دائمی و حرمه و امه [۳۵] نیست.

مسأله ۲ - وقتی زن پاک شود، قبل از غسل نیز، نزدیکی شوهر با او جایز است

ولی مکروه می‌باشد بلکه قبل از شستن فرج هم جایز است ولی بنا بر احتیاط مستحب قبل از شست و شو دادن آن، نزدیکی نکند.

و از جمله احکام حائض این است که در صورت نزدیکی با او بنا بر احتیاط واجب دادن کفاره لازم است و آن در نزدیکی با زوجه عبارت است از یک دینار [۳۶] در اول حیض و نصف دینار در وسط آن و ۱/۴ دینار در آخر آن. و کفاره‌ای بر زن نیست اگر چه با میل و رغبت او باشد. و نزدیکی با زن حائض در صورتی کفاره دارد که شوهر حرمت آن و حائض بودن زن را بداند. بلکه بنا بر احتیاط واجب در بعضی از موارد جهلی که از روی تقصیر باشد نیز کفاره لازم می‌شود.

**مسئله ۳-** مقصود از اول و وسط و آخر حیض، ثلث اول و ثلث دوم و ثلث آخر آن است بنابراین اگر حیض زن شش روز بود هر ثلثی دو روز می‌شود و اگر هفت روز بود، هر ثلثی دو روز و ۱/۳ روز می‌باشد و ..

**مسئله ۴-** اگر شوهر به اعتقاد اینکه زن حائض است، نزدیکی کند و سپس معلوم شود حائض نبوده و یا به اعتقاد اینکه حائض نیست نزدیکی نماید بعدا معلوم شود حائض بوده کفاره‌ای بر او نیست.

**مسئله ۵-** اگر در اثنای نزدیکی حائض شود و فوراً از او جدا نشود (از قبل بیرون نیارد) در اینکه کفاره لازم باشد اشکال است و احتیاط واجب لزوم آن است.

**مسئله ۶-** جایز است ارزش دینار پرداخت شود و میزان، ارزش زمان پرداخت است.

**مسئله ۷-** باید کفاره مذکور را به یک فقیر یا به سه فقیر بپردازد

**مسئله ۸-** با تکرار نزدیکی در اوقات مختلف مثل آنکه در اول و وسط و آخر حیض باشد، کفاره مکرر می‌شود بنابراین باید یک دینار و ۳/۴ دینار کفاره بپردازد. و همچنین اگر در یک وقت، نزدیکی تکرار شود و بعد از هر نزدیکی کفاره‌اش را بپردازد کفاره هم مکرر می‌شود و اگر بعد از هر نزدیکی کفاره را نپرداخته باشد دو قول است احتیاط واجب آنست که کفاره مکرر می‌شود.

و از جمله احکام حائض اینست که - طلاق حائض باطل است در صورتی که به او دخول کرده ولی حامله نباشد و شوهرش حاضر و یا در حکم حاضر باشد به اینکه به آسانی بتواند از حال زن - حیض، پاکی - اطلاع پیدا کند، پس اگر دخولی به او نشده یا حامله باشد یا شوهرش غایب و یا در حکم غایب باشد به اینکه با حضورش هم نتواند از حال زن اطلاع پیدا کند، طلاقش صحیح است و جزئیات این مسأله محل دیگری دارد.

**مسئله ۹-** اگر شوهر غایب باشد و به کسی که حاضر است و می‌تواند از حال زن اطلاع پیدا کند وکالت (در طلاق) دهد، برای وکیل طلاق زن در حال حیض جایز نیست.

## درس ۲۰

ادامه احکام حائض

و از جمله احکام حیض اینست که - واجب است پس از قطع خون حیض برای هر چیزی که به طهارت از حدث اکبر مشروط است غسل کند.

و کیفیت و احکام غسل حیض مانند غسل جنابت است، جز آنکه غسل حیض از وضو کفایت نمی‌کند بنابراین وضو بعد از غسل حیض و یا قبل از آن برای هر چیزی که مشروط به وضو است، مانند نماز، واجب است، به خلاف غسل جنابت همانطور که گذشت و در صورتی که تنها وضو ممکن نباشد باید غسل کرده و بدل از وضو تیمم نماید و اگر تنها غسل ممکن نباشد باید وضو بگیرد و تیمم بدل از غسل نماید و اگر هیچ‌کدام ممکن نباشند دو تیمم نماید، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو.

مسئله ۱- اگر به اندازه‌ای آب داشته باشد که تنها برای وضو یا غسل، کفایت می‌کند بنا بر احتیاط واجب باید غسل را مقدم بدارد

مسئله ۲- اگر بدل از غسل، تیمم کند سپس به حدث اصغر، محدث شود تا زمانی که قدرت بر غسل پیدا نکرده تیممش باطل نمی‌شود، و بنا بر احتیاط مستحب تیمم را تجدید کند.

و از جمله احکام حائض این است که قضاء روزه‌های واجب که در حال حیض آن را ترک کرده است واجب است [قضا نماید]

چه روزه‌های ماه رمضان باشد، یا غیر آن بنا بر اقوا. و همچنین نمازهای واجب غیر یومیه را مانند آیات و دو رکعت نماز طواف و نماز نذر، بنا بر احتیاط واجب باید قضا نماید، به خلاف نمازهای یومیه‌ای را که در حال حیض ترک نموده که قضای آنها بر او واجب نیست، البته اگر بعد از دخول وقت نماز، به اندازه‌ای از وقت بگذرد که بتواند در آن وقت حد اقل واجبات نماز را با رعایت حالش، از کندی و سرعت، مریضی و صحت، حضر (در وطن بودن) و مسافرت، و با رعایت تهیه شرائطی را که دارا نیست ولی فعلا مکلف به آنها است، مانند وضو و غسل یا تیمم - بجا آورد، و لیکن بجا نیامورد و حائض شود، باید این نماز یومیه را قضا نماید، بر خلاف زنی که این مقدار از اول وقت را (در حال پاکی قبل از حیض شدن) درک نکرده که قضا بر او واجب نیست.

و بنا بر احتیاط اگر به اندازه انجام نماز با طهارت از اول وقت بگذرد، اگر چه وقت تحصیل سایر شرایط را نداشته باشد، نماز را قضا نماید، ولی بنا بر اقوا قضاء آن واجب نیست.

**مسئله ۳-** اگر قبل از آنکه وقت نماز بگذرد از حیض پاک گردد، پس در صورتی که از وقت به مقدار یک رکعت با تحصیل شرایط آن، درک نماید باید نمازش را به نیت اداء بجا آورد و اگر بجا نیاورد باید قضا نماید، بلکه بنا بر احتیاط، با داشتن وقت، فقط برای طهارت و اداء یک رکعت- هر چند وقت برای سایر شرایط نباشد- باید قضا کند، اگر چه بنا بر اقوا واجب نیست.

**مسئله ۴-** اگر گمان کند که وقت برای یک رکعت نماز با تحصیل شرایط آن ندارد و نمازش را ترک کند و سپس معلوم شود که وقت داشته، قضای نماز واجب است. اقوا واجب نیست.

**مسئله ۵-** اگر در آخر روز پاک گردد و از وقت به اندازه چهار رکعت در وطن یا دو رکعت در مسافرت، درک نماید باید نماز عصر را بخواند و نماز ظهر- اداء و قضاء- از او ساقط می شود و اگر از وقت به اندازه پنج رکعت در وطن یا سه رکعت در مسافرت، درک نماید. هر دو نماز بر او واجب است و اگر آنها را ترک کند قضای هر دو واجب است.

و اما نماز مغرب و عشاء در صورتی که از آخر شب کمتر از وقت پنج رکعت در وطن و یا کمتر از چهار رکعت در مسافرت، درک نماید، فقط نماز عشاء بر او واجب است و نماز مغرب اداء و قضای آن از او ساقط می شود.

**مسئله ۶-** اگر به اعتقاد آنکه، برای هر دو نماز وقت کافی است، آنها را بخواند سپس معلوم شود که کافی نبوده است و وظیفه اش خصوص نماز دوم بوده است، نمازش صحیح است و چیزی بر او نیست همچنین اگر نماز دوم را بجا آورد سپس معلوم شود که وقت ضیق بوده است (یعنی بر خلاف اعتقادش فقط برای نماز دوم وقت داشته است) و اگر هر دو را ترک کند، فقط قضای نماز دوم واجب است، و اگر نماز دوم را به اعتقاد [۱] ضیق وقت مقدم بدارد سپس معلوم شود که وقت برای هر دو داشته است نمازش صحیح است و باید نماز اول را بعد از دومی بجا آورد و اگر بعد از وقت معلوم شود که برای هر دو نماز، وقت داشته است باید اولی را قضا نماید.

**مسئله ۷-** برای زن حائض مستحب است در وقت هر نماز پنبه را عوض کرده وضو بگیرد و به اندازه خواندن نماز رو به قبله بنشیند و ذکر خدا نماید، و خضاب کردن با حناء و غیر آن و خواندن قرآن اگر چه کمتر از هفت آیه باشد و حمل قرآن هر چند در روکش و غلاف باشد و رساندن جائی از بدن به کناره ها و مابین سطرهای آن، برای زن حائض مکروه است.

## درس ۲۱

### استحاضه و احکام آن

خون استحاضه غالباً زرد، سرد و روان می‌باشد و بدون فشار و گزش و سوزش خارج می‌شود و گاهی دارای اوصاف حیض است، همانطوری که گذشت، و قلیل و کثیر آن حدی ندارد و هر خونی را که زن قبل از بلوغ یا بعد از یائسه شدن یا کمتر از سه روز ببیند و خون دمل یا زخم یا نفاس نباشد، خون استحاضه است اگر چه به این صورت کلی، استحاضه بودن آن بی‌اشکال نیست. و همچنین اگر خونی معلوم نباشد از دمل یا زخم است، در صورتی که زن دارای زخم و دمل نباشد بنا بر احتیاط واجب استحاضه است، و همچنین است اگر خون از ده روز تجاوز کند، لیکن در این صورت خون استحاضه و حیض مختلط شده که جهت تعیین آنها باید به تفصیلی که در حیض گذشت رجوع شود.

و اما احکام استحاضه؛ استحاضه سه قسم است، قلیله، متوسطه، کثیره، قسم اول:

**قسم اول:** (استحاضه قلیله) آنست که پنبه آلوده به خون شود بدون آنکه آن را سوراخ کرده از طرف دیگر نمایان شود و حکمش آنست که برای هر نماز وضو گرفته و ظاهر فرج را در صورتی که آلوده شده بشوید. و بنا بر احتیاط واجب باید پنبه را عوض کرده یا تطهیر نماید.

**قسم دوم:** (استحاضه متوسطه) آنست که خون در پنبه نفوذ کرده از طرف دیگر نمایان شود ولی از پنبه به پارچه روی آن روان نشود و حکمش علاوه بر آنچه که در قلیله ذکر شد (گرفتن وضو برای هر نماز) اینست که بر زن (در هر شبانه روز) یک غسل برای نماز صبح واجب است بلکه بنا بر اقوا برای هر نمازی که قبل از آن یا در بین آن خون استحاضه متوسطه ببیند، بنابراین اگر بعد از نماز صبح مستحاضه متوسطه شود باید برای نماز ظهر و عصر غسل نماید.

و اگر بعد از نماز ظهر و عصر مستحاضه متوسطه شود باید برای نماز مغرب و عشاء، غسل نماید.

**قسم سوم:** (استحاضه کثیره) آنست که خون از پنبه به پارچه روی آن جاری شود و حکمش علاوه بر آنچه در قلیله و متوسطه گذشت و علاوه بر لزوم تعویض پارچه یا تطهیر آن اینست که باید برای نماز ظهر و عصر یک غسل کند و هر دو نماز را با هم بخواند و برای نماز مغرب و عشاء نیز یک غسل نماید و هر دو نماز را با هم بخواند، این در صورتی است که خون استحاضه کثیره را قبل از نماز صبح ببیند، ولی اگر بعد از نماز صبح مستحاضه کثیره شود باید در آن روز دو غسل نماید- یکی برای نماز ظهر و عصر و یکی برای مغرب و عشاء- و ظاهر آنست که در صورتی دو نماز را

با یک غسل می‌تواند بخواند که آن دو نماز را با هم بخواند، و با هم خواندن دو نماز واجب نیست یعنی رخصت است نه عزیمت [۳۷].

پس اگر دو نماز را با هم نخواند باید برای هر نماز یک غسل بکند بنابراین از مطالب گذشته معلوم شد که استحاضه صغری (قلیله) حدث اصغر است، مانند بول، پس اگر این استحاضه ادامه پیدا کرد یا قبل از هر نمازی از نمازهای پنج‌گانه حادث شود مثل حدث مستمر است مانند کسی که سلس البول [۳۸] است. ولی استحاضه کبری (کثیره) و وسطی هم حدث اصغر و هم حدث اکبر می‌باشند.

**مسأله ۱-** بنابر احتیاط واجب، مستحاضه باید در وقت هر نماز با داخل نمودن پنبه و مانند آن و کمی صبر خود را واریسی نماید تا بداند استحاضه‌اش از کدام قسم است و طبق وظیفه‌اش عمل نماید. و واریسی قبل از وقت کفایت نمی‌کند مگر آنکه بداند وضعش تا بعد از دخول وقت تغییر نمی‌کند، و اگر واریسی امکان نداشت در صورتی که دارای حالت سابقه معلومی از قلیله یا متوسطه یا کثیره بودن باشد بنا را بر آن حالت گذاشته و طبق وظیفه‌اش عمل می‌نماید. و اگر چنین حالت سابقه‌ای نداشت باید قدر متیقن را بگیرد.

پس در صورتی که نداند استحاضه‌اش قلیله است یا غیر آن باید کارهای استحاضه قلیله را انجام دهد و اگر نداند استحاضه‌اش متوسطه است یا کثیره باید کارهای استحاضه متوسطه را انجام دهد و احتیاط مستحب آنست که سخت‌ترین آنها را عمل نماید.

**مسأله ۲-** در صورتی باید برای هر نماز وضو بگیرد و وظایف مذکوره را انجام دهد (مانند تعویض پنبه و ...) که خون ادامه داشته باشد. پس اگر قبل از نماز ظهر، خون قطع شود باید فقط برای نماز ظهر وضو بگیرد و برای نماز عصر و مغرب و عشاء واجب نیست و اگر بعد از نماز ظهر خون قطع شود، واجب است فقط برای نماز عصر وضو بگیرد و ... بلکه اگر خون قبل از نماز ظهر قطع شود و برای نماز ظهر وضو بگیرد و تا مغرب و عشاء وضویش باقی بماند با همان وضو، آنها را می‌خواند و نیازی به تجدید وضو ندارد.

**مسأله ۳-** بعد از وضو و غسل در صورتی که خون قطع نشود و یا ترس دیدن مجدد خون قبل یا در اثناء نماز را داشته باشد، باید فوراً نماز را بخواند، ولی اگر مثلاً در اول وقت وضو و غسل نماید و در وقت شروع در آنها، خون قطع شود هر چند قطع شدن موقت باشد و بداند که خون تا آخر وقت نمی‌آید، جایز است نماز را تأخیر اندازد.

**مسأله ۴-** بعد از وضو و غسل باید از بیرون آمدن خون در صورتی که ترس ضرر نباشد، با داخل نمودن پنبه یا غیر آن و بستن پارچه جلوگیری نماید، پس اگر در جلوگیری و بستن پارچه تقصیر کرد و خون بیرون آمد باید نماز را اعاده کند، بلکه بنابر احتیاط واجب اگر اقوا نباشد باید غسل و وضو را هم اعاده نماید. اما اگر در اثر زیادی خون بدون تقصیر، خون بیرون آید، مانعی ندارد.

## درس ۲۲

### تبدیل استحاضه

**مسأله ۱-** اگر استحاضه از مرتبه پائین تر به بالاتر تبدیل شود، مثل اینکه استحاضه قلیله، تبدیل به متوسطه یا کثیره شود یا استحاضه متوسطه مبدل به کثیره گردد، این تغییر به نمازی که طبق وظیفه پائین تر [۳۹] خوانده است ضرری نمی‌رساند و لذا اعاده‌اش لازم نیست ولی نسبت به نمازهای بعد، باید طبق وظیفه مرتبه بالاتر عمل نماید و همچنین است نسبت به نمازی که در اثنای آن این تغییر پائین تر به بالاتر پیدا شود، پس باید این نماز را طبق وظیفه بالاتر از نو بخواند بنابراین اگر قلیله بعد از نماز صبح متوسطه یا کثیره شود نماز صبح صحیح است و نسبت به نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا مثل آنست که بعد از نماز صبح مستحاضه متوسطه یا کثیره شده باشد بدون آنکه قبلاً قلیله باشد، پس باید در صورت اول (متوسطه شدن) یک غسل برای نماز ظهر و عصر بنماید و در صورت دوم (کثیره شدن) دو غسل: یکی برای نماز ظهر و عصر و یکی دیگر برای نماز مغرب و عشاء بنماید بر خلاف اینکه قلیله قبل از نماز صبح یا در اثناء آن، متوسطه یا کثیره شود که باید برای نماز صبح غسل نماید. بلکه اگر قبل از تغییر به مرتبه بالاتر وضو گرفته باشد باید از نو وضو بگیرد. حتی اگر متوسطه بعد از غسل کردن برای نماز صبح کثیره شود باید از نو غسل نماید و در آن روز کارهای مستحاضه کثیره را انجام دهد، مثل آنکه قبلاً مستحاضه متوسطه نبوده است.

اما اگر استحاضه از مرتبه بالاتر به پائین تر تبدیل شود باید برای یک نماز کارهای مرتبه بالاتر را و سپس کارهای پائین تر را انجام دهد بنابراین اگر کثیره قبل از غسل کردن برای نماز صبح، قلیله شود و همچنان قلیله بماند باید برای نماز صبح غسل کند و برای نمازهای بعدی وضو کفایت می‌کند. و اگر کثیره بعد از نماز صبح، متوسطه شود، باید برای نماز ظهر غسل کند و برای نماز عصر و مغرب و عشاء وضو کفایت می‌کند.

### احکام استحاضه

**مسأله ۲-** روزه مستحاضه قلیله صحیح است و در صحت آن وضو شرط نیست. اما غیر مستحاضه قلیله بنابر اقوا غسلهای روزانه‌اش در صحت روزه‌اش شرط است. و در کثیره بنابر احتیاط واجب غسل شبی که فردایش روزه می‌گیرد، ترک نشود.

**مسأله ۳-** اگر قبل از طهارت (وضو غسل) خون استحاضه قطع شود، باید تحصیل طهارت کرده نماز بخواند و اگر بعد از طهارت و قبل از خواندن نماز، خون به علت بهبودی از استحاضه قطع شود باید طهارت را اعاده کرده نماز بخواند. و همچنین است اگر خون بطور موقت به اندازه‌ای قطع شود که بتواند در وقت، وضو گرفته و نماز بخواند ولی

اگر به اندازه وضو گرفتن و خواندن نماز در وقت، خون قطع نشود، به طهارت اولی اکتفا کرده نماز می‌خواند. و همچنین است اگر در اینکه زمان قطع موقت خون برای انجام آنها کافی است یا نه شک داشته باشد و بنا بر احتیاط واجب زنی که می‌داند زمان قطع خونسش برای هر دو کافی است و لیکن نمی‌داند که قطع خون به علت بهبودی است یا بطور موقت؟ باید دو مرتبه تحصیل طهارت کند.

و اگر در اثناء نماز، خون به علت بهبودی و یا به اندازه تحصیل طهارت و خواندن نماز قطع شود باید دوباره تحصیل طهارت کرده نماز بخواند. و اگر قطع خون به اندازه انجام آنها در وقت نباشد همان نماز را تمام کند. و اگر بعد از نماز خون قطع شود بنا بر اقوا گرچه به علت بهبودی باشد، اعاده بر او واجب نیست.

**مسأله ۴-** از آنچه گذشت احکام، اقسام، و وظائف مستحاضه نسبت به نماز و روزه معلوم شد، و اما نسبت به سایر احکام: بدون اشکال، باید مستحاضه قلیله برای طواف واجب فقط وضو بگیرد و اگر متوسطه یا کثیره است باید علاوه بر وضو غسل هم بکند. و بنا بر احتیاط واجب وضوئی را که قلیله برای نماز گرفته و قلیله بودنش ادامه دارد، برای طواف واجب کفایت نمی‌کند. و وضو و غسل متوسطه و کثیره که به منظور نماز تحصیل شده برای طواف واجب کفایت نمی‌کند، خصوصاً اگر متوسطه، طواف واجب را در غیر وقت نماز صبح و یا کثیره طواف را در غیر سه وقت نماز انجام دهد، که در این دو صورت بنا بر احتیاط واجب، صحت طواف آنها مشروط به وضو و غسل مخصوص طواف است. و اما طواف مستحب از آنجائی که مشروط به طهارت نیست، احتیاج به وضو و غسل ندارد.

گرچه مستحاضه متوسطه و کثیره برای وارد شدن مسجد الحرام احتیاج به غسل دارند اگر قائل به وجوب آن شدیم و اما مسّ نوشته قرآن بدون اشکال برای قلیله بدون وضو و برای متوسطه و کثیره بدون وضو و غسل جایز نیست و بنا بر احتیاط واجب وضو و غسلی را که به منظور نماز تحصیل کرده‌اند برای مسّ نوشته قرآن کفایت نمی‌کند پس باید برای خصوص آن وضو و غسل نمایند البته ظاهر آنست که در حال خواندن نمازی که برای آن طهارت گرفته تماس با نوشته قرآن جایز است و آیا مستحاضه کثیره و متوسطه در همه احکام، حکم زن حائض را دارد که بدون غسل آنچه بر حائض حرام است بر او حرام باشد، یا نه؟ بنا بر احتیاط واجب قبل از آنکه غسل استحاضه نماید، شوهرش با او نزدیکی ننماید ولی ضمیمه کردن وضو به آن واجب نیست اگر چه احتیاط مستحب است و اگر پس از نماز قبل از آنکه وقت نماز بگذرد، نزدیکی کند، غسلی را که برای نماز انجام داده کفایت می‌کند اما اگر در غیر وقت نماز نزدیکی کند بنا بر احتیاط واجب باید غسل مستقلاً انجام دهد همانطوری که در طواف گفتیم و اما توقف او در مساجد و داخل شدن در مسجد الحرام و مسجد النبی، بنا بر اقوا بدون غسل جایز است، اگر چه احتیاط مستحب آنست که بدون غسل برای نماز یا برای خصوص مسجد در آنها توقف ننموده و داخل مسجدین نشود. مانند آنچه در نزدیکی با زن گذشت و اما صحت طلاقش بدون اشکال، مشروط به غسل کردن نیست.





## درس ۲۳

### احکام نفاس

و آن خونی است که زن در وقت زایمان یا بعد از آن قبل از گذشت ده روز از هنگام زایمان می‌بیند، هر چند سقط جنین بوده و روحی در آن دمیده نشده باشد، حتی اگر چه مضغه (قطعه گوشت) یا علقه (خون بسته شده) باشد، بطوری که معلوم باشد مبدأ پیدایش بچه می‌باشد. و اگر مشکوک شد، نفاس نیست. و نفاس حد اقلی ندارد و لذا ممکن است در تمام ده روز یک لحظه خون نفاس باشد. و اگر زنی اصلاً خونی نبیند و یا بعد از گذشت ده روز از زایمانش ببیند اصلاً نفاس ندارد، و حد اکثر نفاس ده روز است که ابتدای حساب آن از وقت جدا شدن بچه است، نه از وقت شروع در زایمان، و اگر زایمان در اول روز باشد شب آخر از ده روز محسوب نمی‌شود و اگر زایمان در شب باشد، خود این شب جزء نفاس است ولی از ده روز حساب نمی‌شود و اگر زایمان در وسط روز باشد تا وسط روز یازدهم تلفیق شده و نفاس می‌باشد، و اگر دوقلو زاید، ابتدای نفاس زن بعد از جدا شدن بچه اول است همانطوری که اول دهه نفاس از وقت جدا شدن بچه دوم است.

**مسأله ۱-** اگر خون زایمان سر ده روز یا قبل از آن قطع شود تمام این خونی که دیده است نفاس است چه تمام ده روز را خون ببیند و یا بعضش را، چه در حیض عادت داشته باشد یا نه، و (در این مدت) پاکی که بین دو خون یا چند خون واقع می‌شود بنا بر اقوا در حکم نفاس است، بنابراین اگر بعد از زایمان یک روز خون ببیند و قطع شود سپس روز

دهم ببیند همه ده روز نفاس است و همچنین است اگر یک روز در میان تا روز دهم خون ببیند، و اگر پس از زایمان جز روز دهم خون نبیند فقط همان روز دهم نفاس است و روزهای پاکی قبل از روز دهم تماماً طهر [۴۰] می‌باشند و اگر روز سوم و دهم زایمان خون دید نفاس او هشت روز است.

**مسأله ۲-** اگر بعد از زایمان، خون بیش از ده روز ادامه پیدا کرد، در صورتی که در حیض صاحب عادت عددیه باشد باید نفاسش را به اندازه روزهای حیضش قرار دهد، چه ده روز باشد یا کمتر، و بعد از آن کارهای مستحاضه را انجام دهد. و اما اگر در حیض صاحب عادت نباشد باید نفاسش را ده روز قرار داده و بعد از آن، کارهای مستحاضه را انجام دهد. اگر چه تا روز هجدهم سزاوار نیست احتیاط در جمع بین وظائف زن نفساء، (صاحب نفاس) و مستحاضه را ترک نماید.

**مسئله ۳-** باید بین نفاس و حیض بعد از آن اقل طهر که ده روز است فاصله بیفتد ، پس اگر از وقت زایمان تا روز هفتم خون ببیند سپس بعد از روز دهم سه روز یا بیشتر خون ببیند حیض نیست بلکه استحاضه است، گرچه احتیاط آنست که تا روز هجدهم جمع بین وظائف نفساء و مستحاضه نماید، در صورتی که صاحب عادت نباشد، همانطوری که گذشت ولی فاصله شدن اقل طهر بین نفاس و حیض قبل از آن بنا بر اقوا لازم نیست، بنابراین اگر قبل از زایمان سه روز یا بیشتر خون ببیند،- چه متصل به زایمان و یا به فاصله کمتر از ده روز باشد- حیض است خصوصا اگر در وقت عادت باشد.

**مسئله ۴-** اگر خون تا یک ماه یا کمتر و یا بیشتر از آن ادامه پیدا کند ، بعد از گذشت مدت عادت در صاحب عادت و مدت ده روز در زنی که عادت ندارد، محکوم به استحاضه است، ولی بعد از گذشت ده روز از خون نفاس ممکن است که حیض باشد، پس اگر صاحب عادت بوده و روزهای دیدن خون مصادف با آن عادت باشد، محکوم به حیض است، وگرنه باید رجوع به صفات و تمیز نماید، و اگر اوصاف و تمیز نداشت باید به خویشان رجوع نماید، وگرنه هفت روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد، به تفصیلی که در حیض گذشت، مراجعه شود.

**مسئله ۵-** اگر خون نفاس ظاهرا قطع شود باید، به کیفیتی که در حیض گذشت، استظهار [۴۱] نماید پس اگر خون واقعا قطع شده بود باید مانند حائض برای آنچه مشروط به غسل است غسل نماید.

**مسئله ۶-** زن نفساء در جایز نبودن نزدیکی با او و صحیح نبودن طلاقش و حرام بودن نماز و روزه بر او و همچنین مسّ نوشته قرآن و خواندن سوره‌های چهارگانه عزایم و داخل شدن در مسجد الحرام و مسجد النبی و توقف در سایر مساجد و واجب بودن قضاء روزه بر او، نه نماز و غیر اینها، به تفصیلی که در حیض گذشت، همانند زن حائض است.

[۲۹] یعنی زنی که به خاطر بالا بودن سنش (۵۰ یا ۶۰ سال) خون حیض نمی‌بیند.

[۳۰] کسی است که نسبت به نضر بن کنانه برسد.

[۳۱] به فرهنگنامه اصطلاحات مراجعه شود.

[۳۲] قسمتی از روز گذشته را با قسمتی از روز بعد یک روز حساب کرده.

[۳۳] یعنی با ترک عبادت احتیاط کند تا وضعش روشن شود

[۳۴] سوره‌های چهارگانه که آیه سجده واجب دارند و قبلا توضیح داده شد.

[۳۵] و (۳۶) و (۳۷)- به فرهنگنامه اصطلاحات مراجعه شود.

[۳۸] کسی که پی‌درپی از او بول خارج می‌شود.

[۳۹] یعنی استحاضه قلیله نسبت به متوسطه و کثیره، و استحاضه متوسطه نسبت به کثیره در مرتبه پائین و ضعیف‌تر است و لذا وظیفه در آنها هم نسبت به اعلی ضعیف‌تر است.

[۴۰] نفاس نیست.

[۴۱] قبلا توضیح داده شد.

---

<sup>۱</sup> خمینی، سید روح‌الله موسوی - مترجم: اسلامی، علی، تحریر الوسيلة - ترجمه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۲۱، ۱۴۲۵ هـ ق (با استفاده از نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲)